

جام‌جم در گفت‌وگو با کارشناسان واقعیت‌هایی از عملیاتی شدن سامانه اینستکس را بررسی می‌کند

# کانال تقریبا خالی اروپایی

۵ واقعیت اینستکس به زبان ساده: ۱- صرفا شامل کالاهای غیرتحریمی می‌شود ۲- راه‌حلی برای فروش مجدد نفت ایران به اروپا ندارد ۳- فعلا فقط غذا، دارو، تجهیزات پزشکی را مبادله می‌کند ۴- هیچ راه‌حلی برای تراکنش بانکی ندارد ۵- صرفا پوشش دهنده تجارت اروپا با ایران است

نگاهی به سریال‌های تلویزیونی که خارج از پایتخت تولید شده و باعث معرفی ایران به مردم شده است

## ایرانگردی پای سریال



بررسی پیامدها و بازخوردهای اجرای طرح ترافیک جدید در تهران

## تهران، یک هفته پس از پایان زوج‌وفرد

مردمی که در تهران دقیقا يك هفته است با طرح ترافیک جدید دست و پنجه نرم می‌کنند، تقریبا به اتفاق می‌گویند دست و بالشان بیشتر از همیشه بسته شده است. یکی از آنها حسن خلیل آبادی است، عضو موی‌سپید کرده شورای شهر تهران که می‌گوید تغییرات طرح ترافیک بدون اطلاع‌رسانی و ارائه نظرات کارشناسی به مردم، آنها را بیشتر عصبانی می‌کند.



۱۵۰ شهید دفاع مقدس با حضور نشان در شهرهای سراسر کشور، همه را غافلگیر کردند

## غوغای بهشتی‌ها

قصه قایق‌های امداد... / حامد عسکری

یادداشت طنز از امید مهدی‌نژاد

حکایت عبرت‌آموز مردوهمسرش و خروش

مقطع حساس کنونی

کشورهای آسیایی یکی پس از دیگری سلطه آمریکا را به چالش می‌کشند

در نشست سالانه مدیران کل استانی رسانه ملی تاکید شد

بی‌طرف در انتخابات برای تشکیل مجلس انقلابی

دینوشته

قصه قایق‌های امداد...

عکس امام برمی‌دارد و می‌دهد و زن در ریال کوچه گم می‌شود. روز - خارجی: امروز از صبح که بلند شده بد آورده. آمدنی بنزین تمام کرده. بعدش دو دقیقه موتورش را روی پل پارک کرده و دکتر انوش کلی بد و بیراه گفته. الان هم که می‌برد این یاتاقان موتور برق را برساند به مهندس مشهوری افتاده پشت ترافیک خیابان. غلغله است. آفتاب، مغز را بخار می‌کند. کلاه کاسکتش بوی چرک و عرق می‌دهد. شست بزرگ پایش درد گرفته از بس دنده عوض کرده. حرص می‌خورد. از چرخ‌کی آب زرشک و انار می‌فروشد، می‌پرسد: باز چه خبرشونه؟ مرد می‌گوید: ۱۵۰ شهید آوردن! موتور را خاموش می‌کند. کلاهش را درمی‌آورد. تریلی شهدا از راه می‌رسد. یاد ناصر می‌افتد: همکلاسی‌اش که رفت و این قدر جنگید تا گم شد. ناصر را صدا می‌کند. زانوهایش تا می‌شود. می‌نشیند گوشه خیابان لبه جدول، گوش‌هایش زنگ می‌خورد، پیکیش یاتاقتند. جواب نمی‌دهد. آدم يك وقت‌هایی باید بی خیال همه چیز شود...

ظهر - خارجی: تا جایی تابوت‌ها مثل قایق‌های امداد در تریلی‌هایند. تریلی‌ها جمعیت را در چک‌چک شاتر عکاس‌ها چاک می‌دهند و راه باز می‌کنند و می‌روند. از جایی به بعد تریلی‌ها ایستاده‌اند. تابوت‌ها با همان قایق‌های امداد به آب می‌افتند. مردم دست دراز می‌کنند و به قایق‌ها آویزان می‌شوند. قایق‌ها وسیله نجاتند. مردم ۴۰ سال است این را خوب فهمیده‌اند... کشتی شکستگانیم...

شب - خارجی: مشهد، صحن گوهرشاد ساعت يك شب است. زیارت‌هم را رفته‌ام. نشست‌هم در صحن گوهرشاد و زائر‌ها را نگاه می‌کنم. گوش‌ام را چک می‌کنم. خبرهای تشییع جنازه این ۱۵۰ شهید تازه برگشته را می‌خوانم و عکس‌هایشان را می‌بینم. ظهر است. گرمای آسفالت آب کنی دارد این روزهای تهران. مردم آمده‌اند. این‌که می‌گویم مردم، یعنی واقعا مردم، حجاب و پوشش و طبقه اجتماعی و تحصیلات رنگ باخته. به مردم زل می‌زنم. هم در عکس‌ها و هم داخل حرم هر کدامشان قصه‌ای دارند. هر کدامشان يك جزیره بکرند. به عکس‌های تشییع جنازه زل می‌زنم. ور خیالپرداز و قصه‌ساز ذهنم موتورش روشن می‌شود. برای آدم‌ها قصه می‌نویسم. نه لزوما واقعی، اما قطعا حقیقی... مردم دوباره سنگ تمام گذاشته‌اند برای آنها که سال‌ها پیش برای وطن سنگ تمام گذاشتند. مردم، مردم را دوست دارند.

دینوشته

قصه قایق‌های امداد...

عکس امام برمی‌دارد و می‌دهد و زن در ریال کوچه گم می‌شود. روز - خارجی: امروز از صبح که بلند شده بد آورده. آمدنی بنزین تمام کرده. بعدش دو دقیقه موتورش را روی پل پارک کرده و دکتر انوش کلی بد و بیراه گفته. الان هم که می‌برد این یاتاقان موتور برق را برساند به مهندس مشهوری افتاده پشت ترافیک خیابان. غلغله است. آفتاب، مغز را بخار می‌کند. کلاه کاسکتش بوی چرک و عرق می‌دهد. شست بزرگ پایش درد گرفته از بس دنده عوض کرده. حرص می‌خورد. از چرخ‌کی آب زرشک و انار می‌فروشد، می‌پرسد: باز چه خبرشونه؟ مرد می‌گوید: ۱۵۰ شهید آوردن! موتور را خاموش می‌کند. کلاهش را درمی‌آورد. تریلی شهدا از راه می‌رسد. یاد ناصر می‌افتد: همکلاسی‌اش که رفت و این قدر جنگید تا گم شد. ناصر را صدا می‌کند. زانوهایش تا می‌شود. می‌نشیند گوشه خیابان لبه جدول، گوش‌هایش زنگ می‌خورد، پیکیش یاتاقتند. جواب نمی‌دهد. آدم يك وقت‌هایی باید بی خیال همه چیز شود...

ظهر - خارجی: تا جایی تابوت‌ها مثل قایق‌های امداد در تریلی‌هایند. تریلی‌ها جمعیت را در چک‌چک شاتر عکاس‌ها چاک می‌دهند و راه باز می‌کنند و می‌روند. از جایی به بعد تریلی‌ها ایستاده‌اند. تابوت‌ها با همان قایق‌های امداد به آب می‌افتند. مردم دست دراز می‌کنند و به قایق‌ها آویزان می‌شوند. قایق‌ها وسیله نجاتند. مردم ۴۰ سال است این را خوب فهمیده‌اند... کشتی شکستگانیم...

شب - خارجی: مشهد، صحن گوهرشاد ساعت يك شب است. زیارت‌هم را رفته‌ام. نشست‌هم در صحن گوهرشاد و زائر‌ها را نگاه می‌کنم. گوش‌ام را چک می‌کنم. خبرهای تشییع جنازه این ۱۵۰ شهید تازه برگشته را می‌خوانم و عکس‌هایشان را می‌بینم. ظهر است. گرمای آسفالت آب کنی دارد این روزهای تهران. مردم آمده‌اند. این‌که می‌گویم مردم، یعنی واقعا مردم، حجاب و پوشش و طبقه اجتماعی و تحصیلات رنگ باخته. به مردم زل می‌زنم. هم در عکس‌ها و هم داخل حرم هر کدامشان قصه‌ای دارند. هر کدامشان يك جزیره بکرند. به عکس‌های تشییع جنازه زل می‌زنم. ور خیالپرداز و قصه‌ساز ذهنم موتورش روشن می‌شود. برای آدم‌ها قصه می‌نویسم. نه لزوما واقعی، اما قطعا حقیقی... مردم دوباره سنگ تمام گذاشته‌اند برای آنها که سال‌ها پیش برای وطن سنگ تمام گذاشتند. مردم، مردم را دوست دارند.

یادداشت

فاصله اینستکس با انتظارات ایران

پس از جلسه اخیر کمیسیون مشترک برجام و وعده اروپایی‌ها مبنی بر راه‌اندازی سازوکار مالی موسوم به اینستکس، یک خط خبری جدی در داخل و خارج ایجاد شد مبنی بر این‌که اولین تراکنش بانکی اینستکس به راه افتاده است. به وضوح در انتهای این خط خبری دیده می‌شود که ایران به اهداف خودش در اتمام حجت هسته‌ای دست پیدا کرده است و باید از ادامه آن عقب‌نشینی کند. این در حالی است که سراسر این گزاره، اشتباه است چون اولاً اینستکس، تراکنش بانکی ندارد که انجام بشود، به عبارت دیگر اینستکس یک سامانه تهازی در ترازنامه دو شرکت متناظر در ایران و اروپا است به همین دلیل تراکنش بانکی وجود ندارد که بخواهد اتفاق بیفتد. در ثانی اگر مقصود از آن، تراکنش اینستکسی است که انجام شده یا نباست انجام شود یا در حال پرداختش است باید اشاره کرد به این‌که هفته قبل مطرح شده بود که در گام اول قرار است از طریق یک خط اعتباری چند میلیون یورویی این کار انجام شود. درواقع ما باید واقعه‌نمادین یا پاره‌کردن یک رویان مواجهیم بدون این‌که هنوز اتفاق ویژه‌ای در عمل رخ داده باشد. قبلاً بنده و بسیاری از کارشناسان متذکر شده بودیم که اینستکس در ساختار و تعاریف فعلی خودش محدود به غذا و دارو خواهد بود، درواقع اینستکس قرار است در چارچوب مقررات تحریمی آمریکا عمل کند و حتی به دنبال این است که از محل فروش نفت ایران به سایر کشورها و انتقال بستانکاری آنها در ترازنامه اینستکس کار کند. بنابراین به طور طبیعی و به دلیل قواعد تحریمی آمریکا آنچه با اینستکس قابل خریداری است از کالاهای غیرتحریمی به غذا و دارو نتازل پیدا می‌کند، این نکته فارغ از آن است که اروپایی‌ها خودشان نیز اذعان دارند که اینستکس را با غذا و دارو شروع خواهند کرد. آنچه آغاز اینستکس است درواقع سقف عملیات آن است و حتی این موجود ناقص به لحاظ تسویه خیلی از کولن‌ها بانک چین عقب‌تر است. به همین دلیل این ساختار پراشکال، پرابراد و پرنقص حتی هنوز راه نیفتاده است چون منبعی طرف‌چپ ترازنامه آن نمی‌تواند برابر بگیرد و تنها با یک خط اعتباری کوچک دارد افتتاح می‌شود. به عبارت دیگر با پیش‌تولد اینستکس در مرحله جنینی مواجهیم و برای آن نباید طرف ایرانی بخواهد از خط قرمز هسته‌ای خود عقب‌نشینی کند که اگر این کار را بکند، درواقع باید بگوئیم سقف آنچه از برجام می‌ماند همین موجود نصف‌ونیمه اینستکس خواهد بود و آنگاه اگر ایران وارد گام دوم در ۱۸ تیرماه نشود دیگر برجام تمام شده است. ممکن است افرادی بگویند سقف توانایی اروپا همین است، به اعتقاد بنده اینطور نیست چون راه حل‌هایی هم در اروپا و هم در ایران مطرح می‌شود که از اینستکس کارآمدتر خواهد بود.

دو نمونه که در ایران برای جابجایی با اینستکس مطرح شده این است: ۱- می‌توانیم با شرکت‌های دولتی اروپا کار کنیم چون در اروپا شرکت‌های وسیعی در بخش‌های مختلف از جمله بازگانی، نفت، پتروشیمی، بندر، بانک و... وجود دارد که ایرانیانی می‌توانند با آن کار کنند با همان منطقه‌ای که می‌گوئیم اینستکس تحریم‌پذیری اندکی دارد و بانک مرکزی یک کشور اروپایی در مرکز تسویه آن قرار دارد باید بدانیم هزینه‌های تحریم شرکت‌های اروپایی دولتی برای طرف آمریکایی بالاست.

معاونت آملاد و پشتیبانی ناجا

آملاد مناقصه عمومی

شماره ۹۸/۱۰۰/۳

شرح در صفحه ۵

نیازمندی استان‌های قم، اصفهان، و کرمانشاه

ضمیمه رایگان امروز

ویژه‌نامه‌های استانی شرق استان تهران

شرق استان تهران